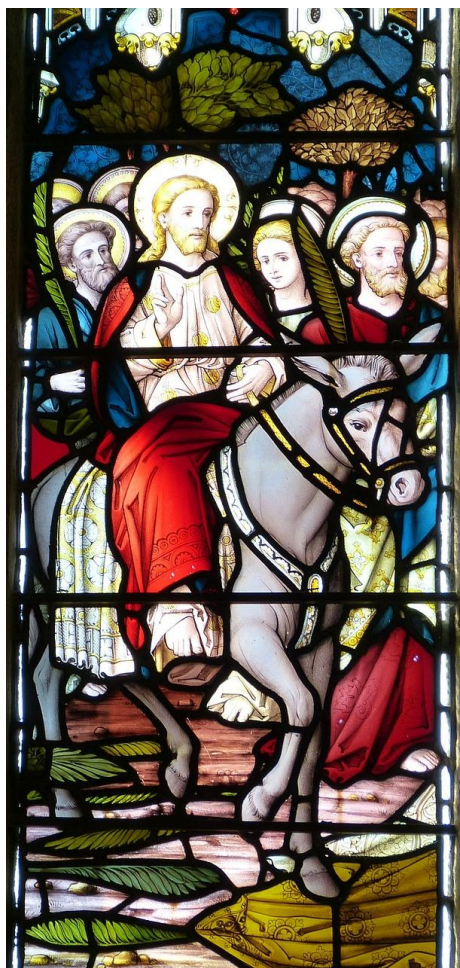


برگ های نخل کنده شده و فریاد شادی از حضور عیسی

انجیل یوحنا فصل 12 ایه 12-19



یک بار من سعی کردم تا یک برگ درخت نخل را بکنم ولی باور کنید که کار خیلی سختی بود. ساقه درخت نخل بسیار محکم می باشد و به همین راحتی ها کنده نمی شود. برای این کار ادم بایستی خیلی وقت بگذارد و زحمت بکشد و در نهایت هم امکان دارد انگشت های مان نیز زخمی بشوند. به همین دلیل من می توانم این را تصور نمایم که مردم اسرائیل در زمان ورود عیسی چه سختی هایی کشیدند و حتما برای آنها آمدن عیسی خیلی مهم بوده که دست به چنین مشقتی زده اند. حال ما امروزه بایستی به این امر مهم پی ببریم که چرا مردم آن زمان در هنگام ورود عیسی این همه فعالیت انجام داده اند. عیسی در قبل از وارد شدنش لازاروس را دوباره زنده می سازد و همه مردم شاهد دوباره جان گرفتن او می شوند و می بینند که چطور او از یک ادم بی جان به یک ادم زنده تبدیل می شود. لازاروس همچنین اجازه می یابد تا یک بار دیگر افتاب را دیده و با عیسی صحبت نماید. حال کسانی که این واقعه را دیده باشند می توانند با قدرت هر چه تمام تر برای آمدن عیسی فریاد شادی سر دهند. اکنون سوال اینجا می باشد که آنها چه فریادی را سر داده اند. در انجیل ما اینگونه نوشته شده است: پروردگارا به ما یاری برسان! عیسی با شنیدن این سخنان ، آنها را رد نکرد و یا از الاغ خود پایین نیامد تا مردم را از خود براند. او اجازه می دهد تا مردم به شادی و سرور خودشان بپردازند زیرا آنها می دانستند که برای چه شادی می کنند. بله عیسی همان مسیح موعود می باشد که برای نجات همه آمده است. کسی که بتواند مردگان را از قبر بیرون

آورد و جانی دوباره به آنها دهد حتما توانایی از بین بردن تمام مشکلات انسان ها را خواهد داشت. ما بایستی به این امیدوار باشیم که عیسی به داد ما انسان ها خواهد رسید همانطور که از اسم اش پیدا می باشد. ما با توجه به این گفته می توانیم تمام نیازمندی هایمان را جمع اوری کرده و از عیسی بخواهیم تا آنها را انجام دهد. ما انسان ها در هر موقعیتی انواع مشکلات گوناگونی را داریم. مثلا یک نفر نیازمند یک کیف مدرسه می باشد و یا کسی دیگری محتاج یک عمل جراحی می باشد تا او را از مرگ نجات دهد و یا شخصی که یک بیماری سخت یا جلسه دادگاهی و یا مشکلات مالی و یا اختلاف خانوادگی دارد. ولی ما در اینجا صحبتی از مشکلات همه گیری که در جهان امروز رخ می دهند را نکردیم. در ان زمان نیز می بایستی مشکلات و گرفتاری های متعددی وجود می داشت که یهودیان آن زمان از عیسی درخواست یاری داشتند. عیسی هم امد برای نجات همه. او از زمانی که قدم در این شهر نهاد فقط چشم به جلجتا داشت. در تمام تاریخ ما هیچ کسی را نمی توانیم پیدا کنیم که اینچنین همانند عیسی به سوی هدف خودش معطوف شده باشد و نیز کسی که برای نجات بشر از دست نیروهای اهریمنی اینقدر مصمم بوده باشد. او کسی نبود که فقط قصد بهتر کردن جهان را داشته باشد بلکه هدف او ریشه کن کردن تمام پلیدی ها بود. ما همیشه در زندگی عیسی یک روندی با مراحل زیادی را جستجو می کنیم ولی در اصل ، عیسی فقط یک مرحله در زندگی خودش داشت و آن هم صلیبی در جلجتا می بود. عیسی خبر این واقعه را بارها به گوش همه رسانده است مثلا در یوحنا 3 ایه 14 و 15 می

گوید من بایستی به صلیب کشیده شوم تا همه شما به من ایمان آورده و زندگی جاویدان را بدست آوردید. ان ادم هایی که در زمان استقبال عیسی در خیابان ها ایستاده بودند انتظارهای زیادی از عیسی داشتند که کمترین آنها شاید این بود که پسر خدا بایستی خیلی با وقار و زیبا به نظر می آمد. ولی اکثر آنها از عیسی توقع داشتند تا زمین و آسمان را دوباره به نظم ناب خدایی برساند و به همین خاطر همه آنها از عیسی خواستار یاری داشتند و ان را بلند فریاد می زدند. عیسی هم به همه آنها کمک واقعی را انجام داد یعنی جایی که او به سمت صلیب راهی شد. تنها برنامه او صلیب بود که خدای پدر برای او نوشته بود. وقتی که ما خواسته ای از خداوند داریم ان درخواست به عیسی بر می گردد. و وقتی که صحبت از عیسی می شود نگاهها به سوی صلیب متمرکز می گردد. فرقی نمی کند که چه چیزی ما از عیسی می خواهیم زیرا همه آنها بر می گردد در منطقه جلجتا ، جایی که عیسی در انجا بیشتر از هر جایی دیگر به ما کمک کرده است. در صلیب جایی است که عیسی تمام گناهان زمین را بر دوش خودش حمل می نماید. این یک حقیقت و هدف اول و آخر پسر خدا می باشد. وقتی که من عیسی را بر روی صلیب می بینم به ان پی می برم که او تمام گناهان ادمیان را بردوش گرفته است. در این رویدادی که رخ داده است من چیزی دیگری جز اینکه او گناه من هم را بر دوش گرفته ، نمی توانم اذعان دارم. چراغ روشن صلیب ، نورانی ترین روزنه ای در روح من است که در ان من می توانم رنج هایی که عیسی برای من کشیده است را ببینم. ولی ما انسان ها بیشتر دوست داریم که این راه سخت صلیب را طی ننماییم و راه عیسی را راهی آسان و بی دغدغه برای مان به حساب آوریم از این خاطر فقط صلیبی را به گردن می اویزیم و با آرامش خاطر خاصی از عیسی طلب یاری می کنیم. ما انسان ها سال ها است که فراموش کرده ایم برگ درخت نخلی بکنیم و اگر ما همینطوری ادامه دهیم ان روز فقط بعنوان یک داستان باقی خواهد ماند. داستانی از یک مرد بسیار خوب که 2000 سال پیش می زیست. از زمان حضور او در روی زمین ، ما می توانیم فرهنگ و رسم مسیحی را بنا نهیم . مذهبی که می تواند اندکی جهان ما را کمی بهتر از این جهانی که امروز می باشد تبدیل نماید. عیسی فقط قصد ندارد که زندگی انسان را در طول تاریخ کمی تغییر دهد بلکه او می خواهد که کیفیت زندگی تاریخی بشریت را کمی نیز بهبود بخشد. همانطوری که ما در ان روز می بینیم که چطور با آمدنش باعث خوشحالی یهودیان ان شهر شد همین هدف را امروز نیز دنبال می کند. او همچنین می خواهد که با ما ، پیروزی بر گناه ، مرگ و شیطان را جشن بگیرد. با پیمودن جاده اورشلیم او میل دارد که راه بهشت را برای مان آماده سازد.

در ان روز همه مردم فریاد شادی سر دادند و از عیسی طلب یاری داشتند. ادم های خیلی کمی بودند که از این رویداد ابراز نارضایتی می کردند. ولی در میان ان همه شور و شادی مردم یک مرد فریسی رو به جمعیت می گوید: نگاه کنید ، دیگر هیچ کاری از ما بر نمی آید ، همه مردم به دنبال او افتاده اند... . همه ما بخوبی می دانیم که داستان عیسی چگونه به اتمام می رسد و چطور صداهای معترض اثر خودشان را می گذارند و در انتها همه بجای سر دادن شادی ، فریاد درخواست مرگ عیسی را سر می دهند. و در اخر کسی که لازاروس را از مرگ دوباره زنده کرد بایستی خود به درون قبر برود. در داستان دین مسیحیت همیشه دو مقوله عنوان شده است که یکی صلیب و دیگری جاودانگی عیسی می باشد. که عیسی بر همین اصول کلیسا را بنا نهاد. ما در کلیسا این دو نکته را بخوبی در مراسم غسل تعمید می توانیم ببینیم که چطور در مرگ و رستاخیز او همراه می شویم. عیسی از مرگ و صلیب عبور کرد تا راه ما را نیز بسوی خوشبختی باز نماید.

با توجه به تمام این گفته ها من می توانم این را عنوان بدارم که چقدر خوب است که داستان عیسی فقط در ان روز باقی نماند و امروز می توانم پنجشنبه سبز و روز دستگیری عیسی را ببینم و چقدر زیبا است که ما روز رستاخیز عیسی را در پیش داریم. و همه این ها باعث می شود که من دوباره با شور و هیجانی خاصی برگ درخت نخلی بکنم.

آمین